



نقش میرویس خان هوتکی در ایجاد افغانستان

نوت:

در افغانستان این سخن سعدی شیرازی به عنوان یک ضرب‌المثل معروف است: که گفته بود "تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد". تعدادی از کسانی که بخود اجازه می‌دهند مقاله و مضمون در مسایل علمی منجمه تاریخ و سایر علوم بشری بنویسند فراموش میکنند که نوشتن در مسایل اکادمیک از خود قواعدی دارد منجمه مراعات کردن احترام به شخصیت کسانی که در این مسائل نظریات متفاوتی از شما دارند، یا نظریات شان با روایت عام متفاوت است. این شجاعت عظیم اخلاقی و علمی می‌خواهد که یک نویسنده به خود اجازه دهد نظریاتی متفاوت از روایت عام بیان دارد. این اشخاص به عوض پرداختن به یک گفتگوی اکادمیک در مسایل به شخصیت طرف مقابل خود تعرض میکنند، آنها را با برجسب های ناجوانمردانه مانند "نماینده استعمار" (سیستانی در مصاحبه با حبیب هوتکی) "تفرقه افکن قومی" (جلیل زلاند در مقاله در افغان-جرمن). من حاضر هستم با کمال خوشی با دانشمندانی مانند استاد سید عبدالله کاظم، استاد شهسوار سنگروال، پوهاند بشیر دودیال و امثالهم مباحثه اکادمیک کنم تا با آدمک های بدزبانی مانند اعظم سیستانی و یا شخص گم نامی مانند جلیل زلاند داخل مقابل شوم.

پروسة ایجاد افغانستان معاصر

میرویس خان هوتکی (میرویس نیکه) با قیام خود که سلطه دوصد ساله صفویان فارس را بر سرزمینهای افغانستان امروزی بر انداخت، برای اولین بار بعد از شاهرخ میرزای تیموری که از هرات حکومت می کرد یک دولت مستقل را به مرکزیت قندهار ایجاد نمود که در حقیقت سنگ تهاب کشور و دولت افغانستان معاصر محسوب میگردد.

پایه های ایجاد کشور افغانستان معاصر با قیام میرویس خان هوتکی در ۲۱ اپریل سال ۱۷۰۹م در قندهار گذاشته شد و در سال ۱۷۴۵م توسط احمد خان ابدالی تکمیل گردید و از آن زمان تا امروز پا برجاست.

پروسة تشکیل دولت مستقل معاصر افغانستان در سال ۱۷۰۹م با قیام موفقانه میرویس خان هوتکی در برابر سلطه صفوی ها در قندهار و قیام موفقانه ابدالیان هرات در سال ۱۷۱۷ بر ضد صفویان آغاز گردیده، تشکیل این کاندیداسیون به سقوط امپراطوری صفوی و گرفتن شهر اصفهان توسط شاه محمود هوتکی، پسر میرویس خان، در سال ۱۷۲۲م منجر شده و این پروسة با اعلام پادشاهی احمد شاه ابدالی در قندهار در سال ۱۷۴۷م و تشکیل یک دولت مستقل در این سرزمین ها تکمیل می‌گردد.

با اغتنام از قیام میرویس خان در قندهار و استفاده از ضعف دولت صفوی، ابدالیهای هرات نیز در سال ۱۷۱۷م تحت قیادت اسدالله خان ابدالی در هرات قیام کرده حاکم صفوی را میکشند و اعلان خودمختاری میکنند. آنها تا ماورای مشهد را اشغال میکنند.

دولت‌های هوتکی برای ۲۶ سال بالای بخش‌های بزرگی از سرزمین‌های افغانستان امروزی حکومت کردند و به علاوه قادر شدند امپراطوری صفوی را ساقط نموده برای هشت سال بالای قلمروهای آن نیز حکومت کنند.

بدین گونه افغان‌ها قادر شدند با قیام میرویس خان یک هویت مستقل ملی برای خود ایجاد کرده و برای اولین بار یک دولت مستقل بومی را در این سرزمین ایجاد نمایند که برای بیست و شش سال در قدرت بود و یک امپراتوری قدرتمند را به زانو در آورد و نام افغان را در تاریخ سیاسی جهان برای همیشه مزین ساخت.

خجالت آور است اگر کسانی پیدا میشوند مانند اعظم سیستانی و جلیل زلاند قیام میرویس خان هوتکی را قیام محلی قلمداد میکنند تا با نادیده گرفتن درخشان‌ترین مقطع تاریخ معاصر این سرزمین که پیروزی بر حاکمیت صفویان فارس بود، بالای برداشتهای عام پسند خود از تاریخ سیاسی این مملکت تاکید کرده باشند.

وقتی میرویس‌خان هوتک در قندهار بر ضد صفوی‌ها قیام می‌کند، امپراطوری صفوی در حال زوال بود. در مغرب و شمال غرب ترک‌های عثمانی مناطق آذربایجان، ارمنستان، گرجستان قفقاز، سوریه و عراق امروزی را از صفوی‌ها گرفته تا همدان پیشروی می‌کنند. در شمال روس‌ها اطراف بحیره کسپین را در سال ۱۷۲۴ اشغال می‌کنند. اوزبیک‌های بخارا همچنان از شمال شرق بالای خراسان حمله می‌کردند.

در این زمان جنبشهای ضد استعماری پشتون‌ها در سرزمین‌های پشتون نشین تحت حاکمیت دولت گورکانی هند و قیام میرویس خان هوتکی در قندهار برضد تسلط صفویان زمینه را برای ایجاد یک دولت مستقل ملی در سرزمین افغانستان امروزی فراهم کردند.

جنبش روشانی یکی از مهمترین و مرموزترین جنبش‌های مذهبی-سیاسی در تاریخ افغانستان و منطقه شمال غرب شبه‌قاره هند (پشتون‌نشین) در دوران اولیه امپراتوری گورکانی هند بود. این جنبش که در قرن شانزدهم میلادی (اوایل قرن دهم هجری) ظهور کرد، به شدت بر جامعه پشتون‌ها و روابط آن‌ها با حکومت گورکانی تأثیر گذاشت.

یکی از مهمترین اثرات، ایجاد یک کانون مقاومت قدرتمند در برابر نفوذ و سلطه امپراتوری گورکانی هند در مناطق پشتون‌نشین بود. روشانیان برای ده‌ها سال، جنگ‌های چریکی و شورش‌های خونینی را علیه نیروهای گورکانی در مناطق خیبر، سوات و سایر نقاط پشتون‌نشین به راه انداختند. این جنبش، به همبستگی برخی قبایل پشتون در برابر دشمن مشترک کمک کرد.

جنبش روشانی تا اوایل قرن هفدهم میلادی (اوایل قرن یازدهم هجری) به صورت یک نیروی نظامی فعال باقی ماند، اما پس از کشته شدن آخرین رهبران کاریزماتیک و فشار مداوم گورکانیان و علمای سنی، به تدریج قدرت نظامی و نفوذ گسترده خود را از دست داد. بقایای روشانیان به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم شدند و آموزه‌های آن‌ها به صورت پنهانی و در محافل خاص ادامه یافت، اما دیگر به عنوان یک تهدید جدی برای حکومت مطرح نبودند.

خوشحال خان خٔک نمادی از مقاومت و آگاهی ملی در تاریخ پشتون‌هاست. او با ترکیب رهبری نظامی و قدرت ادبی خود، نه تنها به صورت عملی در برابر سلطه مغولان ایستادگی کرد، بلکه با اشعار خود بذریع بیداری قومی را در دل مردم کاشت. میراث او فراتر از پیروزی‌های نظامی‌اش است؛ او به پشتون‌ها کمک کرد تا هویت خود را در مواجهه با قدرت‌های خارجی تعریف کنند و برای استقلال خود بجنگند. او به درستی "پدر ادبیات پشتو" و نماد "غیرت پشتون" شناخته می‌شود.

رحمان بابا یک رهبر نظامی یا سیاسی نبود که به طور مستقیم پشتون‌ها را به جنگ با گورکانیان فراخواند. نقش او بیشتر در حوزه فرهنگی، معنوی و هویتی بود. او با تثبیت و غنا بخشیدن به زبان پشتو، تقویت ارزش‌های پشتونوالی، و ایجاد حس وحدت معنوی، به "بیداری" خودآگاهی پشتون‌ها کمک کرد که به صورت غیرمستقیم می‌توانست به مقاومت در برابر سلطه خارجی (گورکانیان) منجر شود.

دوران معاصر تاریخ افغانستان از قیام میرویس خان هوتکی و ایجاد امپراتوری هوتکیان (۱۷۰۹-۱۷۳۵م) و متعاقبا امپراتوری درانی (۱۷۴۷ م) به عنوان بنیان‌گذاران



برای مطالب دیگر دوکتور نوراحمد خالیدی روی عکس کلیک کنید

